

		مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
ردیف	آزمون شماره ۹	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم	نمبره	
۱	مهارت واژه‌شناسی أَكْتُبُ ترجمة ما أُشِيرُ إليه بخط: الف) يَصْعَدُ النَّفْطُ بواسطة الأنبوب. ج) مَا الْمُقْصُودُ بِالْمَرَاتِقِ الْعَامَّةِ؟	ب) رَأَيْتُ الطَّيَّارَ واقفاً جَنَبَ الطَّائِرَةِ. د) أَلَكَلْبُ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا.		
۲	عَيْنَ مَا طَلَبَ مِنْكَ: الف) حَمِيمٍ (بالفارسيّة): ب) حُجْرَةٌ (المترادف): ج) صِغَارٌ (المتضاد): د) عَمِيلٌ (الجمع):	صميمي <input type="checkbox"/> پرتلاش <input type="checkbox"/> غرفة <input type="checkbox"/> نافذة <input type="checkbox"/> أكبر <input type="checkbox"/> كيار <input type="checkbox"/> عميلات <input type="checkbox"/> عملاء <input type="checkbox"/>		
۳	إنتخب الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ: الف) أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الْوَالِي؟ (كجا - چه وقت - چگونه) ج) أَلْوَلُّونَ الْأَبْيَضُ لَوْنُ الْهُدُودِ. (سفید - سیاه - زرد)	ب) لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا. (دروغ می گوید - تکذیب می کند - دروغ نمی گوید) د) فَحَصَّ الطَّيِّبُ أَسْنَانَ الطُّفْلِ. (معالجه کرد - نسخه نوشت - معاينه کرد)		
۴	مهارت ترجمه به فارسی للتَّرجمة: الف) ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بَضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ﴾ ج) ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا﴾ هـ) «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدْوِكَ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ» ز) يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ. ط) لِلْغُرَابِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ بِهِ بَقِيَّةُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنْطِقَةِ الْخَطْرِ.	ب) ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ د) «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» و) اِثْنَانِ وَخَمْسُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اثْنَيْنِ يُسَاوِي سِتَّةً وَعِشْرِينَ. ح) إِلَهِي قَدْ انْقَطَعَ رَجَاتِي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَاتِي. ي) قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةٍ فِي زَنْجَانٍ وَ مُتَحَفٌ الثَّرَائِ الْرَّيْفِيُّ قُرْبَ رِشْتِ.		
۵	كَمَلِ التَّرْجُمَةَ: الف) عَلَيكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورٌ الْقَلْبِ. ب) ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ ج) ﴿وَ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَ هُمْ يُخْلَقُونَ﴾ د) ﴿وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾	«تو باید؛ چرا که» «ما آن‌ها را زیرا آن‌ها» «و کسانی که غیر خدا را می خوانند را نمی آفرینند در حالی که» «و زمانی که موسی به قوم خود ای قوم من! قطعاً شما به ستم کردید.»		
۶	إنتخب التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ: الف) أَلْيَوْمِ السَّادِسُ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْحَمِيسِ. ب) سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى الْهُدُودِ. ج) رُفِعَ صَوْتُ الْبُحْرَانِ فِي هَذِهِ الْبَلَدِ فِي الْيَوْمِ الْوَالِي.	۱) روز ششم از روزهای هفته روز پنجشنبه است. ۲) روز ششم هر هفته روز تعطیل است.		
۷	مهارت شناخت و کاربرد قواعد عَيْنَ الْفَاعِلِ وَ نَائِبِ الْفَاعِلِ وَ ادُّكُرُ إِعْرَابِهِمَا: الف) تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَاتِ النَّفْطِ.	ب) يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْأَبَارِ إِلَى الْمَصَافِي.		
۸	عَيْنَ الْاسْمِ الْمَجْرُورِ وَ ادُّكُرُ عِلْمَةَ الْجَرِّ: الف) حَسُنُ السُّؤَالِ يَصِفُ الْعِلْمَ.	ب) مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.		
۹	عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمَعْرَبَةِ فِي الْعِبَارَةِ: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾			
۱۰	عَيْنَ الْكَلِمَاتِ الْمَبْنِيَّةِ: الف) هُوَ - هَذَا - قُلُوبٌ - رَجُلٌ	ب) مَا - قَلَمٌ - مِنْ - يَدٍ		

ردیف	آزمون شماره ۹	نوبت دوم پایه دهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی	عربی زبان قرآن (۱)
۱۱	عین الصفة و المضاف إليه ثم اذكر إعرابهما: الف) أنظر لتلك الشجرة / ذات العُصون النضرة	ب) كان لصديقي مرضٌ جلدي			
۱۲	أعرب الكلمات المعيّنة و اذكر علامة إعرابها: الف) الصلاة مفتاح كل خير.	ب) العلم صيد و الكتابة قيد.			
۱۳	أكتب في الفراغ عدداً أو معدوداً مناسباً: الف) طول قامة الزرافة أمتار. (سٲ - سٲٲ - سٲٲٲ)	ب) الغراب يعيش عشرين إلى ثلاثين. (سنة - سنوت - سنوات)			
۱۴	عین الفعل اللازم و المتعدّي في العبارة: الف) تعيش الأسماك في النهر.	ب) لا تتخذوا عدوّي و عدوّکم أولیاء ﴿			
۱۵	أكتب في الفراغ كلمة مناسبة حسب المعنى و القواعد: الف) ﴿ و يقول يا ليتني كنتُ ثراباً ﴾ (المؤمن - الكافر - المثقي) ج) عليك يذكر الله فانه نورٌ (القلب - القلوب)	ب) العالم بلا كالشجر بلا تمر. (عمل - عملاً - عمل) د) أذب المرء من ذهبه. (خير - خيراً - خیراً)			
۱۶	عین المبتدأ و الخبر و الفاعل و المفعول في العبارات التالية و اذكر علامة إعرابه: الف) يلغق القط جرحه عدة مرات حتى يلتئم.	ب) هو بمنزلة جاسوس من جواسيس الغابة.			
۱۷	مهارت درک و فهم اقرأ النص ثم أجب عن الأسئلة: الدلفين حيوان ذكي يحب مساعدة الإنسان! يستطيع أن يرشدنا إلى مكان سقوط طائرة أو مكان عرق سفينة. تؤدي الدلافين دوراً مهماً في الحرب و السلم و تكشف ما تحت الماء من عجائب و أسرار و تساعد الإنسان على اكتشاف أماكن تجمع الأسماك. هي تؤدي حركات جماعية و تتكلم معاً. الف) إلى أين يرشدنا الدلفين؟ ج) علام (على + ما) تساعد الدلافين الإنسان؟ هـ) ما هي الحروف الأصلية للأفعال: يحب، يرشد، تؤدي، تتكلم	ب) ماذا تكشف الدلافين؟ د) هل الدلفين حيوان أبله؟			
۲۰	جمع نمرات	موفق باشيد			

مای درس
 گروه آموزشی عصر
www.asrteachers.ir
ASR_Group@outlook.com
@ASRschool2

ج) صغاره کبار (کوچک‌ها ≠ بزرگ‌ها)

د) عمیل: جمع آن ← عَمَلَاء (مزدوران)

۳- الف) کجا (ب) دروغ می‌گوید.

ج) سفید (د) معاینه کرد.

نورسنی: الف) قلعه‌ی والی کجا واقع است؟ (آین: کجا)

ب) عاقل سخن کسی را که بسیار دروغ می‌گوید باور نمی‌کند. (یکذب: دروغ می‌گوید)

ج) رنگ سفید رنگ آرامش است. (الابیض: سفید)

د) پزشک دندان‌های کودک را معاینه کرد. (فحص: معاینه کرد)

۴- الف) معبودی به‌جز خدا کیست که نوری برای شما بیاورد. آیا گوش نمی‌دهید؟

ب) خداوند سرپرست کسانی است که ایمان آوردند. آن‌ها را از تاریکی‌های (نادانی و ظلم) به سوی روشنایی بیرون می‌آورد.

ج) قطعاً ما امیدواریم که پروردگاران خطاهای ما را ببامزد.

د) رئیس قوم (گروه) خدمتکار آن‌ها در مسافرت است.

ه) زمانی که بر دشمنت توانمند می‌شوی، پس عفو و گذشت را به عنوان شکر توانایی بر او قرار بده.

و) پنجاه و دو تقسیم بر دو برابر می‌شود با بیست و شش.

ز) دانشمندان از شناخت راز آن پدیده‌ی شگفت ناامید شدند.

ح) معبود! امید من به خلق (مردم) قطع شده است و تو امید من هستی.

ط) کلاغ صدایی دارد که با آن به بقیه‌ی حیوانات هشدار می‌دهد تا این‌که فوری از منطقه خطر دور شوند.

ی) گنبد سلطانیه در زنجان و موزه میراث روستایی نزدیک رشت است.

نورسنی: الف) من: اسم استفهام، خبر مقدم، چه کسی / الله: مبتدای مؤخر، معبودی /

غیر الله: ترکیب اضافی، غیر خدا، جز خدا / یأتی: فعل مضارع، می‌آید / یأتي: می‌آورد /

گم: ضمیر مفعولی متصل، شما را / ضیاء: نور، روشنایی / أ: حرف استفهام / لا تسمعون: فعل مضارع منفی، گوش نمی‌دهید.

ب) الله: مبتدا و مرفوع به ضمّه ۱، خداوند / ولي: خبر و مرفوع به ضمّه ۲، سرپرست / وليّ الدّین: مضاف و مضاف‌الیه، سرپرست کسانی است که / آمنوا: فعل ماضی، جمع مذکر غایب، ایمان آوردند / يُخرج: فعل مضارع و فاعل آن ضمیر مستتر «هو» / هم: مفعول و منصوب، مبنی، آن‌ها را / مِنَ الظّلمات: جار و مجرور، از تاریکی‌ها / إلى النّور: جار و مجرور، به سوی نور

ج) إنا (در اصل «إنا» بوده است): همانا ما / نطمع: فعل مضارع متعدی، امیدواریم / أن یغفر: فعل مضارع التزامی، که ببامزد / لنا: جار و مجرور، برای ما / رَبُّ: فاعل و مرفوع به ضمّه

۱ / ربُّنا: مضاف و مضاف‌الیه، پروردگار ما / خطایا: مفعول و منصوب، خطاهای ما / خطایانا: ترکیب اضافی، خطاهای ما

د) سیّد: مبتدا و مرفوع به ضمّه ۱، رئیس / القوم: مضاف‌الیه و مجرور به کسره ۱ / خادم: خبر و مرفوع به فتحه ۱، خدمتکار / خادمهم: ترکیب اضافی، خدمتگزار آن‌ها

في السّفر: جار و مجرور، در سفر

ه) إذا: قید زمانی، زمانی که / قدّرت: فعل ماضی، توانمند شدی، در این‌جا به دلیل این‌که بعد از «إذا» آمده است، مضارع ترجمه می‌شود «توانمند می‌شوی» / علي عدوّك: جار و

مجرور و مضاف‌الیه، بر دشمنت / جعل: فعل امر متعدی که دو مفعول می‌خواهد / العفو: مفعول اول آن و منصوب به فتحه ۱ / شکرأ: مفعول دوم آن و منصوب به فتحه ۱ / للقدرة: جار و مجرور، به خاطر قدرت / علیه (علی + ه): جار و مجرور، بر او

و) اثنان و خمسون: عدد اصلی، عدد معطوف که هر دو جزء آن مرفوع است به دلیل مبتدا بودن، «اثنان» مرفوع با علامت الف (ا) و «خمسون» مرفوع با علامت «و»، روی هم ← پنجاه و دو / تقسیم: صفت و مرفوع به ضمّه ۱ / علي اثنین: جار و مجرور با علامت «ی»، بر دو / یسأوي: فعل و فاعل آن ضمیر «هو» مستتر، نقش خبر را دارد / ستّه و عشرين: نقش مفعول را دارد و منصوب به فتحه ۱ / در جزء اول و «ی» در جزء دوم، بیست و شش

ز) یسّس: فعل ماضی، ناامید شدند (به اعتبار این‌که فاعل در «العلّماء» جمع است، فعل جمع ترجمه شده است) / العلّماء: فاعل و مرفوع به ضمّه ۱، دانشمندان / من معرفة: جار و مجرور، از شناخت / سرّ تلك: مضاف و مضاف‌الیه، راز آن / الظّاهرة العجیبة: موصوف و صفت، پدیده‌ی عجیب

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

۱- الف) نفت به وسیله‌ی لوله بالا می‌رود.

ب) خلبان را ایستاده در کنار هواپیما دیدم.

ج) مقصود از تأسیسات عمومی چیست؟

د) سگ می‌تواند صدای ساعت را از مسافت چهل قدمی بشنود.

۲- الف) حمیم: گرم و صمیمی

ب) حُجرة ≠ عُرْفَة (اتاق)

ح) إلهي: مضاف و مضاف‌الیه، معبودا / قَدْ انْقَطَعَ: فعل ماضی نقلی، قطع شده است / رجاء: فاعل و مرفوع / ی: مضاف‌الیه و مجرور / رجائي: ترکیب اضافی، امیدم / عن الخلق: جار و مجرور، از خلق / أنت: مبتدا و مرفوع، مبنی، تو / رجاء: خبر و مرفوع / رجائي: مضاف و مضاف‌الیه ط) للغراب: جار و مجرور، خبر مقدم، کلاغ ... دارد، برای کلاغ ... است / صوت: مبتدای مؤخر، صدایی / یَحْدَرُ: فعل متعدی و فاعل آن ضمیر مستتر «هو»، هشدار می‌دهد / به: جار و مجرور، با آن / بقیة: مفعول و منصوب به فتحه / الحيوانات: مضاف‌الیه و مجرور به کسره / حتی: تبتعد: فعل مضارع، تا دور شوند / سریعاً: قید حالت، سریع / عن منطقة: جار و مجرور، از منطقه / منطقة الخطر: ترکیب اضافی، منطقه خطر ی) قُبْتُ: مبتدا و مرفوع با ضمه هـ، گنبد / قُبَّة سلطانية: ترکیب اضافی، گنبد سلطانیه / فی زجان: جار و مجرور، در زنجان / متحف التراث: ترکیب اضافی، موزه میراث / التراث الزیفی: ترکیب وصفی، میراث روستایی / قرب رشت: ترکیب اضافی، نزدیک رشت ۵- الف) تو باید به یاد خدا باشی؛ چرا که آن روشنایی قلب است. ب) ما آن‌ها را در رحمت خود وارد کردیم زیرا آن‌ها از انسان‌های شایسته هستند. ج) و کسانی که غیرخدا را می‌خوانند چیزی را نمی‌آفرینند در حالی که آفریده می‌شوند. **تجیه** حرف «و» پیش از «هم یخلقون» اصطلاحاً او و حالیه گفته می‌شود و معنای آن «در حالی که» است.

د) و زمانی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! قطعاً شما به خودتان ستم کردید. **تجیه** «یا قوم» در اصل «یا قومی» بوده که حرف «ی» آن حذف شده است و به جای آن کسره در «قوم» آمده است: ای قوم من!

۶- الف) ۱ ب) ۲

تجزیه الف) الیوم: مبتدا و مرفوع به ضمه هـ / السادس: صفت و مرفوع به ضمه هـ / الیوم السادس: موصوف و صفت، روز ششم / من ایام الأسبوع: جار و مجرور و مضاف‌الیه، از روزهای هفته / یوم: خبر و مرفوع به ضمه هـ / الخمیس: مضاف‌الیه و مجرور به کسره هـ / یوم الخمیس: ترکیب اضافی، روز پنجشنبه ب) سافرننا: فعل ماضی و فاعل آن ضمیر بارز «نا»، مسافرت کردیم / إلی قریة: جار و مجرور، به روستایی / لائنا (ل + أن + نا): زیرا که ما / بحاجه: جار و مجرور، نیاز داریم / إلی الهدوء: جار و مجرور، به آرامش

۷- الف) ثَقُلْتُ: فعل ماضی معلوم متعدی، منتقل می‌کنند / التافلات: فاعل و مرفوع به ضمه هـ / **تجیه** نفت کش‌ها فرارده‌های نفت را منتقل می‌کنند. ب) یُنْقَلُ: فعل مضارع مجهول، منتقل می‌شود / التفت: نایب فاعل و مرفوع به ضمه هـ / **تجیه** نفت از چاه‌ها به پالایشگاه‌ها منتقل می‌شود.

۸- الف) «السؤال» و «العلم» مضاف‌الیه و مجرور به کسره هـ / **تجیه** الف) العلماء: مضاف‌الیه و مجرور به کسره هـ / الف) خوب سؤال کردن، نصف علم است. ب) همشینی با دانشمندان عبادت است.

۹- کلمات معرب: اسم، الله، الرحمن، الرحمن، کلمه مبنی: ید (حرف)

۱۰- الف) کلمات مبنی: هُو (ضمیر)، هذا (اسم اشاره) ب) کلمات مبنی: ما (اسم استفهام)، من (حرف)

۱۱- الف) ذات الغصون: ترکیب اضافی، الغصون (مضاف‌الیه و مجرور) / الغصون النضرة: ترکیب وصفی / النضرة (صفت و مجرور)

ب) «ی» در «صدیقی» مضاف‌الیه و مجرور و مبنی / جلدی: صفت و مرفوع

۱۲- الف) مفتاح: خبر و مرفوع به ضمه هـ / خیر: مضاف‌الیه و مجرور به کسره هـ / ب) العلم: مبتدا و مرفوع به ضمه هـ / قید: خبر و مرفوع به ضمه هـ

تجیه الف) نماز کلید هر نیکی است. ب) علم شکار و نوشتن بند (آن) است.

۱۳- الف) سنه ب) سنه **تجزیه** الف) با توجه به این که پس از جای خالی، معدود به صورت جمع و مجرور آمده و مفرد آن مذکر است، «متر» عدد از نظر جنس مخالف آن می‌آید ← سنه / **تجیه** طول قامت زرافه شش متر است.

ب) با توجه به عدد «عشرین: بیست» معدود مفرد و منصوب می‌آید ← سنه / **تجیه** کلاغ بیست سال تا سی سال زندگی می‌کند.

۱۴- الف) تعيش: زندگی می‌کند، لازم ب) لا تتخذوا: نگیرید، متعدی **تجیه** الف) ماهی‌ها در رودخانه زندگی می‌کنند.

ب) دشمن من و دشمن خودتان را سرپرست نگیرید. ۱۵- الف) الکافر ب) عمل ج) القلب د) خیر

تجزیه الف) با توجه به معنای واژه‌های جمله، برای جای خالی به عنوان فاعل واژه «الکافر» درست است / **تجیه** کافر می‌گوید ای کاش من خاک بودم.

ب) با توجه به حرف جر «ب» در جای خالی اسم مجرور می‌آید «عمل» / **تجیه** دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

ج) با توجه به اسم پیش از جای خالی که مضاف است، در جای خالی اسم مجرور می‌آید به عنوان مضاف‌الیه «القلب» / **تجیه** تو باید یاد خدا کنی زیرا که آن روشنایی قلب است.

د) با توجه به واژه‌های «أدب» و «المرء» که به ترتیب مبتدا و مضاف‌الیه هستند در جای خالی خبر می‌آید و اعرابش مرفوع است «خیر» / **تجیه** ادب انسان از طلایش بهتر است.

۱۶- الف) یلتم: فعل متعدی / القبط: فاعل و مرفوع به ضمه هـ / جرح: مفعول و منصوب به فتحه هـ / یلتئم: فعل لازم / فاعل آن ضمیر «هو» مستتر / **تجیه** گربه زخمش را چند بار می‌لیسد تا این که بهبود بیابد.

ب) هَو: مبتدا و مرفوع و مبنی / بمنزلة: جار و مجرور و خبر / **تجیه** آن به مانند جاسوسی از جاسوس‌های جنگل است.

۱۷- الف) دلفین ما را به کجا راهنمایی می‌کند؟ دلفین می‌تواند ما را به مکان سقوط هواپیما یا مکان غرق شدن کشتی راهنمایی کند. (یستطیع أن یرشدنا إلی مکان سقوط طائرة أو مکان غرق سفينة)

ب) دلفین‌ها چه چیزی را کشف می‌کنند؟ آن چه که زیر آب است از شگفتی‌ها و رازها کشف می‌کنند. (تکشف ما تحت الماء من عجائب و أسرار)

ج) دلفین‌ها انسان را در چه چیزی کمک می‌کنند؟ دلفین‌ها انسان را به کشف مکان‌های تجمع ماهی‌ها کمک می‌کنند. (تساعد الانسان علی اكتشاف أماكن تجمع الأسماك)

د) آیا دلفین حیوان احمقی است؟ نه، دلفین حیوان باهوشی است (الدلفین حیوان ذکی)

ه) حروف اصلی فعل‌ها:

یُرشد ← ر ش د
 یُحب ← ح ب ب
 تُؤدی ← ء د ی
 تتکلم ← ک ل م

گروه آموزشی عصر

ASR_Group@outlook.com

@ASRSchool2

مای درس
 گروه آموزشی عصر
 www.my-dars.ir